

سطر، اندازه: ۱۳×۲۲سم [ف: ۳۳/۲ - ۱۴۹]

● فتوت نامه (منظوم) / عرفان و تصوف، شعر / فارسی
fotovvat nāme (manzūm)

تهران؛ دانشگاه؛ شماره نسخه: ۳۷۵/۲۱-ف

نسخه اصل: ایاصوفیا ش ۲۰۴۹؛ خط: نسخ، بی کا، بی تا؛ ۳گ
[۲۲۷-۲۲۹] [قلمهاف: ۱-۴۶۲]

● فتوت نامه سلطانی / عرفان و تصوف / فارسی
fotovvat nāme-ye soltānī

کاشفی، حسین بن علی، - ۹۱۰ قمری

kāšefī, hoseyn ebn-e 'alī (- 1505)

پوشیدن و پوشانیدن آن و رسانیدن خرقه به میدان و شرایط و آداب و ارکان آن، در یازده «فصل»: (۱) بیان خرقه، (۲) بیان آنکه خرقه پوشیدن از که مانده است، (۳) شرایط و ارکان خرقه پوشیدن و خرقه پوشانیدن، (۴) بیان رنگ‌های خرقه، (۵) بیان آنکه خرقه اهل فقر از چه جنس می‌باید از اجناس ملبوسات، (۶) بیان لباس‌هایی که در این روزگار صوفیان و فتوت‌داران می‌پوشند، (۷) متفرقات، (۸) وصله‌هایی که صوفیان و درویشان بر سر می‌نهند، (۹) بیان آنچه بعضی بر روی تاج بندند، (۱۰) لون تاج‌ها و وصله‌ها که بر روی تاج بندند، (۱۱) سایر وصله‌ها که تعلق به صوفیان و درویشان دارد؛ باب ۵ آداب اهل طریق در شانزده «فصل»: (۱) آدابی که اهل طریق را علی‌الاجمال در نفس خود می‌باید، (۲) آداب ارباب طریق با هر طایفه، (۳) آداب تکیه داران، (۴) آداب تکیه در آمدن، (۵) آداب نشستن، (۶) آداب سخن گفتن، (۷) آداب طعام خوردن و آب آشامیدن، (۸) آداب جامه پوشیدن، (۹) آداب سفر کردن، (۱۰) آداب ضیافت، (۱۱) آداب راه رفتن، (۱۲) آداب سلام کردن، (۱۳) آداب حقوق باقی اخوان، (۱۴) آداب کسب و بیع و شری، (۱۵) آداب خادمان، (۱۶) آداب متفرقه؛ باب ۶ شرح حال ارباب معرکه و سخنانی که بر آن مترتب باشد و آداب اهل سخن در چهار «فصل»: (۱) معنی معرکه و ما تعلق به، [تمه] فصل اول در ذکر مداحان و عز اخوان، (۲) شرح اهل سخن از معرکه گیران، [تمه] فصل [دوم] در باب سقایان، (۳) شرح خواص گویان و بساط اندازان، [تمه] فصل سیم در بیان قصه‌خوانان و افسانه‌گویان، (۴) شرح اهل زور از معرکه گیران و ایشان هشت (نه) طایفه‌اند [در هشت «فصل»]:
۱- بیان کشتی گیران، ۲- بیان سنگ‌گیران، ۳- بیان ناوه و کشتان و کار ایشان، ۴- شرح سله (پيله) کشتان، ۵- شرح عمالان، ۶- شرح مغیر (معرکه) گیران، ۷- شرح رسن بازان، ۸- شرح زورگران، [تمه] فصل چهارم در صفت اهل بازی از معرکه گیران و ایشان سه طایفه‌اند (در سه فصل): ۱- بیان طاس بازان، ۲- شرح لعبت بازان، ۳- بیان حال حقه بازان؛ باب ۷ بیان اهل قبضه و حالات ایشان در هفت «فصل»: (۱) معنی قبضه و شرح آن که قبضه چند است، (۲) قبضه تیغ، (۳) قبضه‌های سپر، (۴) قبضه گرز، (۵) قبضه کمان حرب و آنچه بدان تعلق دارد، (۶) بیان قبضه طغماق (چخماق)، (۷) قبضه کارد و ساطور و کاردمال و تبر.
آغاز: بسملة الحمد لله الذی جعل طریق الفتوة منهاجا للسالكين و اوضح سبيل الوفاء و المروة مسلکا للناهجين و الصلاة علی من شد بتکمیل قواعد الدین من ارباب الطريقة محمد المختار و خلفاء الابرار الاخيار امیرالمومنین ابی بکر و امیرالمومنین عمر و امیرالمومنین عثمان ذی النورین و امیر المومنین علی بن ابی طالب رضی الله عنهم لاطهار مراسم الحق و الحقیقة و السلام علی عترته الاطهار الکرام و صحبه الاخيار المتابعین المبایعین تحت الشجرة و بعد این رساله ای است در بیان طریق اهل فتوت و قوانین و آداب شد و بیعت و پوشیدن تاج و خرقه و شرح ادب

در طریق و آداب اهل فتوت و شرایط شیخ و مرید و شاگرد و استاد و لوازم تکمیل و تعلیم و تلقین و ارشاد، و بهترین کتابی است در درویشی و جوانمردی و فتوت و تصوف عملی عامیانه و دارای اصطلاحات فارسی که از کتب معتبره اهل تصوف استنباط شده و به خدام مزار حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام تقدیم نموده است. کاشفی در آن خود را مانند یک سنی دوازده امامی می‌نماید. در آغاز آن آمده است: «موضوع علم فتوت نفس انسان باشد از آن جهت که مباشر و مرتکب افعال جمیله و صفات حمیده گردد و تارک و رادع اعمال قبیحه و اخلاق رذیله شود به ارادت یعنی تجیله و تحلیه و تزکیه و تصفیة ... در این رساله اکثر بر طریق سؤال و جواب تسطیر یافت.» بیشتر این کتاب به صورت سؤال و جواب «اگر پرسند، بگو» تنظیم شده و مشتمل است بر یک «مقدمه» و دوازده «باب» و یک «خاتمه» دارای فصول. ولی در نسخه‌ها گزارش هفت باب آن آمده: فهرست آن: مقدمه در سه «فصل»: (۱) شرف این علم، (۲) موضوع این علم، (۳) بیان معنی فتوت به حسب لغت و اصطلاح؛ باب ۱. بیان منبع و مظهر فتوت و معنی طریقت و تصوف و فقر و آداب و ارکان و مشتمل بر چهار «فصل»: (۱) بیان مظاهر و فتوت و آداب آن، (۲) بیان معنی طریقت و آنچه بدان متعلق است، (۳) بیان معنی تصوف و آداب و ارکان آن، (۴) بیان فقر و آداب و ارکان آن؛ باب ۲. بیان پیر و مرید و آنچه تعلق بدان دارد در چهار «فصل»: (۱) بیان آن که در طریق احتیاج به پیر کامل هست یا نه؟، (۲) شرایط شیخی، (۳) آداب مرید و شرایط آن، (۴) کیفیت مرید گرفتن؛ باب ۳. بیان نقیب و پدر عهدالله و استاد شد و شاگرد و بیعت شد و شرایط و آداب و ارکان آن است و مشتمل بر ده «فصل»: (۱) بیان نقیب، (۲) بیان پدر عهدالله، (۳) بیان استاد شد و شرایط آن، (۴) شرایط شاگرد، (۵) معنی شد و آنچه بدان متعلق است، (۶) اقسام شد، (۷) حلوی خفیه (لاک چوبی)، (۹) کیفیت میان بستن، (۱۰) معانی و فواید متفرقه که تعلق به شد دارد؛ باب ۴. بیان خرقه و سایر لباس اهل فقر (طریق) و

فهرستگان نسخه های خطی ایران (نخا)؛ جلد بیست و سوم؛ به کوشش، مصطفی درایتی؛ تهران

DIA 276261

سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۹۱/۲۰۱۳

CHAPTER 3

The Works of Husayn Vâ'iz Kâshifî as a Source for the Study of Sufism in Late 15th- and Early 16th-Century Central Asia

Maria E. Subtelny

The works composed by the Timurid-era preacher Kamâl al-Dîn Husayn b. 'Alî Vâ'iz, known as Kâshifî (d. 910/1504–05), may be viewed as a late medieval attempt to encompass the totality of religious, literary, scientific, and cultural knowledge in Persianate Central Asia at the turn of the 16th century. Kâshifî's works on subjects ranging from political ethics and Qur'ân commentary to astrology and spiritual chivalry earned him a tribute from the preeminent Timurid-era poet and patron 'Alî-shîr Navâ'î, who referred to him in his *Majâlis al-nafâ'is* as a polymath (*zû funûn*).¹ Although his works are compilative in nature, drawing heavily on earlier (often Arabic) authors, Kâshifî is very much present in them, and while synthesizing the works of his predecessors, he uses them as a springboard to demonstrate his own literary and rhetorical talents. His success was due to his ability to organize his material in a rational and economical fashion, and more important, to present it to a discerning Persian audience in an attractive literary formulation. Utilizing this approach, Kâshifî consciously created what might be termed the Persian equivalent of an Everyman's Library of his time.² This article will survey those works by Kâshifî that are concerned specifically with Sufism and the occult sciences that had traditionally been closely associated with Sufism. It may be inferred from the popularity of these works that the religio-ethical perspectives of Islamic mysticism, and esotericism more generally, were part and parcel of mainstream Persianate culture in the eastern Islamic world of his time.

Originally from Sabzavâr (in the province of Bayhaq), Kâshifî moved to the Timurid capital, Herat, in 860/1456 after allegedly being summoned to the town in a dream vision by the recently deceased Naqshbandî Sufi master Sa'd

al-Dîn Kâshgharî.³ Born in the 1420s, Kâshifî would have been in his thirties at the time. When he was named chief judge (*qâzî al-quzât*) of the province of Bayhaq by the new Timurid ruler of Khurasan, Sulţân-Abû Sa'îd (863–73/1458–69), he returned to Sabzavâr for a time.⁴ After Sulţân-Husayn-i Bâyqarâ (r. 873–911/1469–1506) came to power in Khurasan, Kâshifî returned to Herat (possibly at his invitation), where he remained until his death in 910/1504–5.⁵ In Herat, Kâshifî was patronized by Sulţân-Husayn and various members of the Timurid military elite, chiefly Mîr 'Alî-shîr Navâ'î (d. 906/1501), to whom he dedicated a number of his works.

Kâshifî's popularity was acknowledged by the historian Khwândamîr, who in his biographical entry on him in the *Ḥabîb al-siyar* (completed in Herat ca. 930/1524) stated that, as a Qur'ân exegete (*mufasssîr*), he had no equal in Khurasan in his day, and he noted his expertise in astrology (*'ilm-i nujûm*) and epistolography (*inshâ*).⁶ Khwândamîr named seven of his works that he regarded as his best known. These were his letrist commentary on the Qur'ân, *Javâhir al-tafsîr li-tuhfat al-Amûr*, which was never completed;⁷ another Qur'ân commentary entitled *Mavâhib-i 'aliyya*;⁸ the 'Alid martyrology *Rawzat al-shuhadâ'* (composed 908/1502–3), the work for which he is probably best known today;⁹ *Arnvâr-i suhaylî*, a rendition of Naşrullâh Munshî's Persian translation of the *Kalîla va Dimna* animal fables (commissioned by and dedicated

1 Alisher Navoiy, *Majolisun nafa'is: Ilmiy-tanqidîy tekst*, ed. Suyima Ghanieva (Tashkent: Uzbekiston SSR Fanlar akademiyasi nashriyoti, 1961), 143.

2 Maria E. Subtelny, "Husayn Vâ'iz-i Kâshifî: Polymath, Popularizer, and Preserver," *Iranian Studies*, 36/4 (2003), 463.

98-118

3 Fakhr al-Dîn 'Alî b. Husayn Kâshifî, "Şafî," *Rashaḥât-i 'ayn al-ḥayât*, ed. 'Alî Asghar Mu'niyân (Tehran: Intishârât-i Bunyâd-i Nikûkârî-i Nûriyânî, no. 15, 2536/1977), vol. 1, 252–253.

4 Gottfried Herrmann, "Biographisches zu Husayn Wâ'iz Kâshifî," in *Corolla Iranica: Papers in Honour of Prof. Dr. David Neil MacKenzie on the Occasion of His 65th Birthday on April 8th, 1991*, ed. Ronald E. Emmerick and Dieter Weber (Frankfurt: Peter Lang, 1991), 93–94, 98–99.

5 Alisher Navoiy, *Majolisun nafa'is*, 143; Mîr Nizâm al-Dîn 'Alî-shîr Navâ'î, *Majâlis al-nafâ'is: Dar taḡkira-yi shu'arâ-i qarn-i nuhum-i hijrî* (translated into Persian and expanded by Sulţân-Muḥammad Fakhri Harâtî and Ḥakîm Shâh-Muḥammad Qazvinî), ed. 'Alî Asghar Ḥikmat (Tehran: Châpkhâna-yi Bânk-i Millî-yi Irân, 1323/1945), 93, 268; Herrmann, "Biographisches," 90.

6 Khwândamîr, *Târîkh-i Ḥabîb al-siyar fî akhbâr afrâd-i bashar*, ed. Jalâl al-Dîn Humâ'î (reprint ed., Tehran: Khayyâm, 1362/1984), vol. 4, 345; also Khwândamîr, *Khâtima-yi Khulâṣat al-akhbâr*, in Khwândamîr, *Ma'âşir al-mulûk, bi-ḥamîma-i Khâtima-i Khulâṣat al-akhbâr va Qânûn-i Humâ'iyûnî*, ed. Mîr Hâshim Muḥaddîṣ (Tehran: Mu'assasa-yi Khadamât-i Farhangî-yi Rasâ, 1372/1994), 221.

7 Kamâl al-Dîn Husayn b. 'Alî Vâ'iz Kâshifî, *Javâhir al-tafsîr: Tafsîrî adabî, 'irfânî, ḥurûfî, shâmil-i muqaddima'î dar 'ulûm-i qur'ânî va tafsîr-i sûrat-i Ḥamd*, ed. Javâd 'Abbâsî (Tehran: Mîrâṣ-i Maktûb, 1379/2000–2001).

8 Kamâl al-Dîn Husayn b. 'Alî Vâ'iz Kâshifî, *Mavâhib-i 'aliyya yâ Tafsîr-i husaynî (bi-fârsî)*, ed. Muḥammad Rizâ Jalâlî Nâyinî, 4 vols. (Tehran: Iqbâl, 1317–29/1938–50).

9 Kamâl al-Dîn Husayn b. 'Alî Vâ'iz Kâshifî, *Rawzat al-shuhadâ'*, ed. Âyatullâh Ḥâjj Shaykh Abû'l-Ḥasan Sha'rânî (Reprint ed., Tehran: Intishârât-i Islâmiyya, 1379/2000–2001).